

کرامت زن از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)

غفور خوئینی^۱

آرزو ملکشاه^۲

چکیده

شناخت کرامت انسان اهمیت بسیار دارد که در دین مقدس اسلام و اسناد بین‌المللی موضوعیت مربوط به خود را داشته است. در اسلام کرامت جایگاه ویژه‌ای دارد و با تفکیک کرامت ذاتی و اکتسابی، آن را مورد بررسی قرار داده است، کرامت ذاتی را مختص همه انسان‌ها اعم از زن و مرد دانسته و برای رسیدن به کرامت اکتسابی یا ارزشی، ملاک را تقوا معرفی کرده و شاخص‌های آن را در قرآن و روایات تعیین نموده و زن را همانند مرد در رسیدن به مقام انسانیت یکسان دانسته است. در دوران معاصر، برخی از نظام‌های حقوقی دنیا، از جمله حقوق جهانی بشر، از دیدگاه غرب، کرامت انسانی را در کرامت ذاتی محصور کرده و از کرامت ارزشی سخنی به میان نمی‌آورند و پیامدهای منفی این تلقی را در جوامع غربی شامل هم‌جنس‌گرایی، فحشا و بی‌بندوباری، از بین رفتن حیا، رکود انسان و ... شاهد هستیم. علاوه بر آن، اعلامیه حقوق بشر اسلام را مورد بررسی قرار داده و سپس جایگاه کرامت زن در اسلام و اسناد بین‌المللی با تکیه بر رهنمودهای امام خمینی (ره) مورد تحلیل قرار گرفته است. در این مقاله و با مرور بر اسناد بین‌المللی غرب معاصر با رویکردی تطبیقی به حوزه معنایی موضوع، قلمرو و جایگاه کرامت زن از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی مشخص شده و سپس مقایسه و مقابله گردیده است.

واژه‌های کلیدی: کرامت زن، حقوق بشر، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی، امام خمینی (ره).

۱. دانشیار دانشگاه خوارزمی

۲. دانشجو دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی

Email: amalekshah72@yahoo.com

پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۶

دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۰

۱. مقدمه

زن به گواه تاریخ در پیش از ظهور اسلام در اعصار مختلف در شرایط نابرابری زیست می‌کرد، به مانند حیوانات خرید و فروش می‌شد و در نزد جامعه کم‌ترین ارزشی نداشت. البته این مسئله خاص اعراب جاهلی نبود که زن را قبول نداشتند. در سال ۵۸۶ میلادی در «مجمع ماکون» درباره این مسئله بحث می‌کردند که آیا زن انسان است؟ نتیجه بررسی این بود که زن خادم مرد است (کدیور، ۱۳۷۵ ش: ص ۸۲). بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در این راستا می‌فرماید: زن در دو مرحله مظلوم بوده است، یکی در جاهلیت. در جاهلیت، زن مظلوم بوده و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشیده، مرحله جاهلیت مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات - بلکه پایین‌تر از او [می‌شمردند] - زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجن‌زار جاهلیت بیرون کشید. در یک موقع دیگر، در ایران ما، زن مظلوم شد؛ و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق؛ به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند، ظلم کردند به زن، ظلم‌ها کردند به زن؛ زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت شیء کردند به اسم آزادی آزاد زنان و آزاد مردان. آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زن‌ها و جوانان ما را فاسد الاخلاق کردند (خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۷، ص ۳۳۸).

ظهور اسلام در سرزمین عربستان، حیاتی دوباره به زن بخشید. اسلام هنگامی آمد که جاهلیت در عمق افکار جامعه ریشه دوانده و نگاهی تحقیرآمیز به زن داشته است. «به راستی پیامبر اسلام (ص) منت عظیمی بر بشر، خاصه بر زن و مخصوصاً زن عربستان گذاشت. نه فقط زن را از این مرگ رقت‌آور و فجیع نجات بخشید، بلکه به او حق حیات اجتماعی و اخلاقی داد تا در اغلب حقوق با مرد مساوی شود» (صدر، ۱۳۵۵ ش: ص ۶۹) طبق آیات قرآن، زن و مرد از یک نفس و جنس آفریده شده‌اند؛ اما بررسی‌ها بیانگر آن است که جایگاه کرامت زن همواره مورد خدشه قرار گرفته است. هنگامی که صاحبان قدرت بر افراد مظلوم، ظلم پیشه کرده‌اند، اندیشه حقوق بشر برای مبارزه با این بی‌عدالتی شکل گرفته و هدفش تأمین آن بوده است؛ اما نتایج این بی‌حرمتی را می‌توان سوءاستفاده از زن و نادیده انگاشتن کرامت ذاتی و اکتسابی وی دانست. در این راستا بنیان‌گذار جمهوری اسلامی می‌فرماید: اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد. اسلام در وقتی ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش از مردان از دست داده بودند، اسلام آن‌ها را سر بلند و سرفراز کرد، اسلام آن‌ها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد، بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد... قرآن کریم انسان‌ساز است، و زن‌ها نیز انسان‌ساز. وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است (خمینی، ۱۳۷۸ ش:

ج ۶، صص ۲۹۹-۳۰۰). زن همانند مرد در رسیدن به کرامت و ارزش‌های ناب انسانی جایگاهی یکسان دارد. این‌طور نیست که ارتکاب به اعمال زشت، مجازاتش برای زن سنگین باشد و برای مرد آسان. خداوند در قرآن ملاک انسانیت را تقوا معرفی کرده است. در این تحقیق جهت مقایسه بین جایگاه کرامت زن در دین مقدس اسلام و اسناد بین‌المللی از روش تطبیقی استفاده شده است. سؤال اصلی این تحقیق آن است که جایگاه کرامت زن در اسلام و اسناد بین‌المللی چیست؟ و این مبنا و محتوای کرامت در این دو دیدگاه چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟ در این تحقیق جایگاه کرامت زن در اسلام بر اساس آیات، روایات و اسناد بین‌المللی و با تکیه بر رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۲. مفهوم‌شناسی کرامت

در بررسی مفهوم کرامت به چند تعریف بسنده می‌کنیم. در قاموس قرآن در تعریف کرامت آمده است: کرامت به معنی سخاوت، شرافت، نفاست و عزت است (قریشی، ۱۳۷۲ش: ص ۱۰۳). راغب در مفردات می‌نویسد: کرم اگر وصف خدا شود، مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد، نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی ظاهر می‌شود. به کسی کریم نگویند مگر بعد از آن که آن اخلاق و افعالی از وی ظاهر شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱ش: ص ۷۰۷). در فرهنگ عمید کرامت به معنای بزرگی ورزیدن، جوانمرد بودن، بزرگی و ارجمندی و بخشندگی آمده است (عمید، ۱۳۷۵ش: ج ۳، ص ۱۹۵۳). در دین اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده‌اند که عبارت است از:

الف. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها، مادامی که با اختیار خود - به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و بردیگران - آن کرامت را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند.

ب. کرامت ارزشی که از به‌کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد، کمال و خیرات، ناشی می‌گردد. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسان، مربوط به همین کرامت است (جعفری، ۱۳۸۸ش: ص ۲۲۴).

تعریفی که در مفردات آمده است صرفاً اشاره به کرامت اکتسابی انسان دارد. علامه جعفری نیز در تعریف کرامت ذاتی، آن را محدود به فعل و عمل انسان نموده؛ یعنی اگر ایشان عمل ناشایست انجام دهد از وی سلب می‌شود. این تعریف دارای اشکالاتی هست؛ اولاً کرامت ذاتی مختص همه انسان‌ها، امری ذاتی است و نمی‌توان از هیچ انسانی آن را سلب کرد؛ بنابراین

می‌توان گفت که کرامت ذاتی اولاً مختص انسان است و ثانیاً همه انسان‌ها فارغ از جنسیت، نژاد و ... از آن برخوردارند و از وجود انسان زایل شدنی نیست. کرامت ارزشی یا اکتسابی، در واقع کرامتی است که انسان‌ها با تلاش و سعی خود، آن را به دست می‌آورند؛ در واقع انسان‌ها اعم از زن و مرد می‌توانند با اعمال شایسته به آن دست پیدا کنند. از آنجا که شاخص کرامت اکتسابی بر اساس دین اسلام، تقواست، لذا در راه رسیدن به آن، بین زن و مرد تفاوتی نیست.

۳. کرامت در اسلام

کرامت در قرآن دارای اهمیت ویژه‌ای است و جایگاه و ارزش انسان را جدا از نژاد، رنگ، مکان جغرافیایی و ... نشان می‌دهد، تا جایی که در قرآن کریم آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/ ۷۰). مفسر المیزان در این راستا می‌نویسد: مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد و با همین خصوصیت است که معنای تکریم با تفضیل فرق پیدا می‌کند؛ چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم، مورد نظر است که دارای شرافت و کرامتی بشود. به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، در حالی که او با دیگران در اصل شرکت دارد (طباطبایی، ۱۳۶۶ ش: ج ۱۳، ص ۲۱۴). این آیه اشاره به کرامت ذاتی دارد که مختص همه انسان‌ها است.

این احترام و برتری، به گفته ابن عباس و ضحاک به قوت، عقل، نطق و تمیز است. میمون بن مهران از ابن عباس روایت کرده است که: به خاطر این است که انسان با دست غذا می‌خورد و حیوانات با دهان. عطا می‌نویسد: به خاطر اندام معتدل و قامت راست اوست. از جابر بن عبدالله روایت شده که: به واسطه انگشتان است، زیرا اگر انگشت‌ها نبود بسیاری از کارها را نمی‌توانستند انجام دهند. ابن جریر می‌نویسد: به واسطه این است که حیوانات در تسخیر و فرمان او هستند. محمد بن کعب گوید: به خاطر وجود پیامبر گرامی اسلام (ص) است. برخی گویند: به خاطر این است که انسان خدا را می‌شناسد و او را فرمان می‌برد. برخی گویند: به خاطر همه این‌ها و نعمت‌های دیگری است که به انسان اختصاص دارد. این قول بهتر است (طبرسی، ۱۳۵۲ ش: ج ۱۴، صص ۱۷۷-۱۷۸).

انسان در میان سایر موجودات عالم خصوصیتی دارد که در دیگران نیست و آن داشتن نعمت عقل است و معنای تفضیل انسان بر سایر موجودات این است که در غیر عقل، از سایر خصوصیات و صفات هم انسان بر دیگران برتری داشته و هر کمالی که در سایر موجودات

هست، حد اعلای آن در انسان وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۶۶ش: ج ۱۳، ص ۲۱۵). لفظ «کرمن» بیان‌گر آن است که او را گرامی داشتیم. ولی چگونه او را گرامی داشته، هرگز در آیه به آن اشاره نمی‌کند و نکته آن، این است که مواهبی که خدا به انسان داده، یکی دو مورد نیست تا به طور مشخص مطرح شوند، مجموعه‌ای است از استعدادها و شایستگی‌ها، از قابلیت‌ها و... ولی در این میان نمی‌توان از موهبت عقل و خرد چشم پوشید، موهبتی که انسان را از دیگر جانداران جدا ساخته و اختیار فراوانی به او بخشیده است تا آنجا که دیگر مواهب بدون این موهبت بزرگ کارساز نبوده و وسیله تکامل و تعالی نیست (سبحانی، ۱۳۶۴ش: ج ۴، ص ۲۴۳).

بنی آدم معمولاً در قرآن، عنوانی برای انسان‌ها توأم با مدح، ستایش و احترام است، درحالی که کلمه انسان با صفاتی همانند ظلوم، جهول، هلوع (کم‌ظرفیت)، ضعیف، طغیانگر، ناسپاس و مانند آن توصیف شده است و این نشان می‌دهد که بنی آدم به انسان تربیت یافته اشاره می‌کند و یا حداقل نظر به استعدادها می‌تواند مثبت دارد (توجه به افتخارات آدم و فضیلت او بر فرشتگان که در کلمه بنی آدم نهفته شده نیز مؤید این معنا است)، درحالی که کلمه انسان به معنی مطلق و گاهی احياناً اشاره به جنبه‌های منفی او است. لذا در آیات مورد بحث که سخن از کرامت و بزرگواری و فضیلت انسان است تعبیر به «بنی آدم» شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹ش: ج ۱۲، ص ۲۰۴). در مجموع می‌توان گفت: ۱- همه انسان‌ها (مؤمن و غیر مؤمن) دارای کرامت و منزلت خدادادی‌اند؛ ۲- عنایت خاص خداوند به آدمیان با اعطای ارزشی ویژه به آنان؛ ۳- توجه انسان به مقام و کرامت الهی خویش، مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است؛ ۴- همه انسان‌ها، از نسلی واحد و از فرزندان آدم‌اند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹ش: ص ۱۸۸). امام راحل در خصوص کرامت زن می‌فرماید: خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است خداوند همان طور که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود این که فساد بر آن‌ها راه نیابد دارد، در زن‌ها هم دارد همه به صلاح شماست (خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۶، ص ۳۰۱). در آیه‌ای دیگر، قرآن کریم، در خصوص کرامت اکتسابی یا ارزشی سخن گفته است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ» (حجرات/۱۳). در این آیه می‌خواهد امتیازی را که در بین آنان باید باشد بیان کند، اما نه امتیاز موهوم، امتیازی که نزد خداوند، امتیاز و کرامت است. توضیح این‌که، در فطرت و جبلت هر انسانی این حس وجود دارد که به دنبال کمالی می‌گردد که با داشتن آن از دیگران ممتاز شود و در بین اقران خود دارای شرافت و کرامتی خاص گردد و از آنجایی که عامه مردم دل بستگی‌شان به زندگی مادی دنیا است، قهراً این امتیاز و کرامت را در همان مزایای زندگی دنیا، یعنی در مال، جمال، حسب، نسب و امثال آن جستجو می‌کنند و همه تلاش و توان خود را در طلب و به دست آوردن آن

به کار می‌گیرند تا با آن به دیگران فخر بفروشند و بلندی و سروری کسب کنند. آن مزیتی که مزیت حقیقی است و آدمی را بالا می‌برد و به سعادت حقیقی اش که همان زندگی طیبه و ابدی در جوار رحمت پروردگار است، می‌رساند، عبارت است از تقوا و پروای از خدا. تنها وسیله رسیدن به سعادت آخرت، همان تقوا است که به طفیل سعادت آخرت، سعادت دنیا را هم تأمین می‌کند و لذا خدای تعالی فرموده: «تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ» (انفال/ ۶۷) و نیز فرموده: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره/ ۱۹۷) (طباطبایی، ۱۳۶۶ ش: ج ۱۵، صص ۴۸۹-۴۹۰).

در ادامه آیه ۱۳ سوره حجرات نیز آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». این جمله مضمون جمله قبل را تأکید می‌کند و در ضمن اشاره‌ای هم به این معنا دارد که اگر خدای متعال از بین سایر مزایا، تقوا را برای کرامت یافتن انسان‌ها برگزیده، برای این بود که او با علم و احاطه‌ای که به مصالح بندگان خود دارد، می‌داند که این مزیت، مزیت حقیقی و واقعی است، نه آن مزایایی که انسان‌ها برای خود مایه کرامت و شرف قرار داده‌اند. چون آن‌ها، همه مزایایی وهمی، باطل و زینت‌های زندگی مادی دنیا بیند که خدای تبارک و تعالی درباره آن‌ها فرموده: «مَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت/ ۶۴) (همان، صص ۴۹۰-۴۹۱). این مطلب اشاره دارد به این‌که برخی سنت‌هایی که در عرف و باور جامعه وجود دارد و باعث فخر موهوم انسان می‌شود، غلط و اشتباه است. تنها سنتی که راه درست زیستن را نشان می‌دهد، دین خداست که بالاترین و والاترین سنت است.

آیه شریفه دلالت دارد بر این‌که بر هر انسانی واجب است که در هدف‌های زندگی خود، تابع دستورات پروردگار خویش باشد، آن‌چه اختیار کرده، اختیار کند و راهی که او به سویی هدایت کرده، پیش گیرد و خدا، تقوا را برای او برگزیده، پس او باید همان را پیش گیرد. علاوه بر این، بر هر انسانی واجب است که از بین همه سنت‌های زندگی، دین خدا را سنت قرار دهد (همان، ص ۴۹۱). بعضی از بزرگان برای تقوا سه مرحله قائل شده‌اند: ۱- نگهداری نفس از عذاب جاویدان، از طریق تحصیل اعتقادات صحیح؛ ۲- پرهیز از هرگونه گناه، اعم از ترک واجب و فعل معصیت؛ ۳- خویشتن‌داری در برابر آن‌چه قلب آدمی را به خود مشغول می‌دارد و از حق منصرف می‌کند و این تقوای خواص، بلکه خاص اشخاص است (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۷، ص ۱۳۶).

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمودند: خداوند بزرگ در روز قیامت می‌فرماید: به شما فراوان دادم؛ اما شما آن‌چه را که سفارش کرده بودم، ضایع ساختید و در فکر بالا بردن انساب خود بودید. امروز هم من نسب خود را بالا برده، انساب شما را پایین می‌آورم. کجا هستند پرهیزکاران؟ که گرامی‌ترین فرد در پیشگاه الهی باتقواترین فرد خواهد بود (طبرسی، ۱۳۶۳ ش:

ج ۲۳، ص ۲۲۴). رسول خدا(ص) در جای دیگری می‌فرماید: هر که خواهد که کریم‌ترین مردمان باشد، گواز خدا بترس و نیز گفت: کرم مرد، دین اوست و پرهیزکاری او، اصل او، عقل او و حسب او، خوی نیکوی او. عبدالله عباس نیز بیان می‌دارد: کرم دنیا توانگری است و کرم آخرت پرهیزکاری (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۵ ش: ج ۱۸، ص ۴۴). امام خمینی (ره) نیز می‌فرماید: مقام زن والاست، عالی‌رتبه هستند. بانوان در اسلام بلندپایه هستند (خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۶، ص ۵۸). امام علی بن موسی الرضا(ع) در خصوص تقوا می‌فرماید: ایمان یک درجه برتر از اسلام است و تقوا درجه‌ای است بالاتر از ایمان و یقین درجه‌ای برتر از تقوا است و هیچ چیز در میان مردم کمتر از یقین تقسیم نشده است (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۷۰، ص ۱۳۶). پیامبر(ص) می‌فرماید: همانا پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی و دین شما یکی و پیامبران یکی. هیچ عربی را بر عجمی برتری نیست و هیچ عجمی را بر عربی و هیچ سفیدی را بر سیاهی و هیچ سیاهی را بر سفید مگر بر تقوا (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ ش: ج ۱۴، ص ۶۹۹). روایت شده که مردی از حضرت عیسی بن مریم(ع) پرسید: کدامین انسان برتر است؟ حضرت از روی زمین دو کف خاک برگرفته، فرمود: کدام یک از این دو کف خاک برتر است؟ مردم از خاک آفریده شده‌اند، هر کدام که با تقواتر باشند برتر خواهند بود (طبرسی، ۱۳۶۳ ش: ج ۲۳، ص ۲۲۴).

شیخ مفید در این راستا می‌نویسد: شنیده‌ام که روزی سلمان فارسی وارد مسجد رسول خدا(ص) شد و مردم او را به سبب حقی که داشت و به احترام موی سپیدش و منزلت خاصی که نزد پیامبر و خاندان او صلوات الله علیهم، داشت احترامش نهادند و او را بالای مجلس نشانند. عمر وارد مسجد شد و چشمش به سلمان افتاد. گفت: این مرد عجم کیست که در میان عرب‌ها صدرنشین شده است؟ رسول خدا(ص) منبر رفت و خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: مردم از روزگار آدم تا به امروز هم چون دندان‌های شانه هستند، عرب را بر عجم برتری نیست و سفید را بر سیاه، مگر به تقوا (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ ش: ج ۱۴، ص ۶۹۹). امام سجاده(ع): هیچ افتخاری برای فرد قریشی و یا عرب نیست، مگر به فروتنی و هیچ کرامتی نیست مگر به تقوا (همان). امام علی(ع): تقوا، ظاهرش شرافت دنیاست و باطنش شرافت آخرت (همان، ص ۷۰۰). امام علی(ع) در وصف بهشتیان می‌فرماید: بهشتیان گروهی هستند که کرامت همواره با آنان باشد تا آن‌که سرانجام در سرای جاودانی فرود آیند و از جابه‌جایی سفرها آسوده گردند (همان: ج ۱۱، ص ۵۱۴۹). ایشان در جای دیگری می‌فرماید: تقوا محکم‌ترین وسیله‌ای است میان تو و میان خداوند، اگر آن را برگیری، سپری از عذاب دردناک الهی است (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶ ش: ج ۲، ص ۵۵۹).

از دیدگاه قرآن ملاک برتری مرد بودن یا زن بودن نیست. نمی‌توان زن را به خاطر زن بودنش، آن‌گونه که در طول تاریخ در بسیاری از جوامع تحقیر می‌کرده‌اند و بی‌ارزش می‌دانسته‌اند، بی‌ارزش دانست و تحقیر کرد. قرآن ایمان و عمل صالح را نه تنها ملاک برتری مردی بر مرد دیگر که حتی ملاک برتری زن را بر مرد نیز می‌داند؛ یعنی اگر زنی از ایمان و عمل صالح برخوردار است از بسیاری از مردان که فاقد ایمان و عمل صالح هستند، برتر خواهد بود (نصری، ۱۳۸۷ش: ص ۱۷۶). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ پروردگارشان دعایشان را اجابت فرمود که: من کار هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، چه زن و چه مرد - همه از یکدیگر پدید - ناچیز نمی‌سازم» (آل عمران/ ۱۹۵). همچنین «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه‌ای بدو خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان عطا خواهیم کرد» (نحل/ ۹۷).

بنابراین در قرآن با توجه به آیات بیان شده، دو نوع کرامت ترسیم شده است؛ کرامت ذاتی که در وجود همه انسان‌ها فارغ از جنسیت به ودیعت نهاد شده و دیگری کرامت اکتسابی یا ارزشی که آثاری بر آن مترتب است و رسیدن به این نوع از کرامت، خودسازی است که انسان‌ها اعم از زن و مرد در راه رسیدن به آن آزادند. در توضیح بیشتر باید گفت که در کلام الهی، ملاک رسیدن به کرامت اکتسابی و تنها شاخص آن، برای هر دو جنس تقوا معرفی شده است که بی‌توجهی به آن، خسران دنیا و آخرت را هم برای زن و هم برای مرد به همراه دارد.

۴. انسان از دیدگاه فلاسفه و اسلام

نظریه افلاطون درباره طبیعت انسان، این است که ما به‌طور گریزناپذیری اجتماعی هستیم. انسان به‌طور فردی خودکفا نیست؛ زیرا دارای نیازهای فراوانی است که نمی‌تواند به تنهایی آن‌ها را تأمین کند. حتی در سطح نیازهای مادی مانند غذا، مسکن و لباس، انسان به‌سختی همه نیازهای خود را بدون هرگونه وابستگی به دیگران فراهم می‌کند (استیونس، ۱۳۶۸ش: ص ۴۳). آرای افلاطون یکی از سرچشمه‌های اصلی دوگانه‌انگاری درباره انسان را تشکیل می‌دهد. بنا به عقیده او، روح یا ذهن، جوهری است غیرمادی که جدا از بدن وجود دارد. او بر این باور است که روح یا ذهن انسان فناپذیر بوده و قبل از تولد و همیشه وجود داشته است و پس از مرگ نیز برای همیشه وجود خواهد داشت (همان: ص ۴۱).

در نظریه ابن عربی، انسان کامل دارای سه جنبه اساسی است: جهان شناختی، نبوتی و عرفانی. از نظر جهان شناختی و تکوین جهان، انسان کامل نمونه آفرینش است و همه نمونه‌های نخستین، وجود کلی را در خود دارند. از لحاظ وحی و نبوت، انسان کامل کلمه و فعل ابدی الهی است که هر جنبه‌ای از آن به یکی از پیغمبران تشبیه می‌شود. چنین است که هر فصلی از فصول به یکی از جلوه‌های انسان کامل اهدا شده است که یک پیغمبر است. پیامبران یکی از جلوه‌های علم الهی را که در واقع مظهر آنند، در جهان آشکار می‌سازند. در پرتو این طرز تصور، انسان کامل حقیقت محمدیه می‌شود که تحقق ارضی آن به صورت پیامبر اسلام (ص) است. همان‌گونه که دانه در زمین کاشته شود، نخست ساقه‌ای برمی‌آورد و سپس شاخه و برگ و گل و در پایان میوه‌ای پیدا می‌کند که شامل بر همان دانه است، انسان کامل یا حقیقت محمدی نیز که «نخستین آفریده حق» است، در زمین صورت کامل خود را با حضرت محمد (ص) آشکار می‌سازد که خاتم پیامبران دوره کنونی بشریت است. از لحاظ سیر و سلوک، انسان کامل نمونه حیات روحانی است، چه شخصی است که در وی همه امکانات و همه حالات وجود که در درون انسان نهفته است، تحقق یافته و به صورت تام و کامل درآمده است و می‌داند که مقصود انسان بودن چیست. از این قرار، مقصود از انسان کامل، قبل از هر کس، پیغمبران و مخصوصاً پیغمبر اسلام (ص) است. سپس از اولیای بزرگ و به ویژه اقطاب هر عصرند که واقعیت ظاهری‌شان هم چون دیگر انسان‌هاست، ولی واقعیت باطنی ایشان، همه امکانات ذاتی جهان هستی را شامل می‌شود؛ از این رو که آنان در خود همه امکانات ذاتی وجود انسانی را محقق ساخته‌اند و انسان به این حالت، هم چون جهان صغیر در مرکز است که همه صفات کمال را منعکس می‌کند. هر انسانی بالقوه کامل است، ولی بالفعل فقط پیغمبران و اولیاء هستند که می‌شود از آنان به منزله نمونه‌های حیات معنوی در طریق رسیدن به کمال پیروی کرد (نصر، ۱۳۶۱ ش: صص ۱۳۲-۱۳۳). ملاصدرا نیز در اسفار و مشاعر درباره انسان تحقیقاتی کرده و به تقسیماتی قائل شده، از جمله برای انسان سه وجود برشمرده است:

- ۱- انسان حسی که گاه آن را انسان طبیعی و انسان سفلا هم می‌نامند و آن جسد محسوس انسانی است که در معرض فنا، فساد و زوال قرار دارد؛
- ۲- انسان نفسی که گاه آن را «انسان برزخی» نیز می‌خوانند که وجود شبحی و ظلی دارد و حامل آن قوای نفسانی است؛
- ۳- انسان عقلی که همواره ثابت است و حقیقت یا لباب انسان حسی است و کمال انسانیت انسان به وجود آن وابسته است (حلبی، ۱۳۷۱ ش: ص ۵۸).

انسان یک موجود متعلق به ناسوت و در قوس نزول در عالم ناسوت که نازل ترین عوالم هستی است قرار گرفته است. خداوند چنان لیاقت و استعدادی به او عطا نموده که در اثر حرکت جوهری پس از طی مراحل نباتی و حیوانی و نیل به مرحله انسانیت می‌تواند با قدرت علم و عمل در قوس صعود به مرحله کون جامع و بالاترین و شریف ترین عوالم هستی یعنی عالم عقول مجرده برسد که نمونه بارز آن انسان‌های کامل هم چون پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) می‌باشند جایی که - بنا بر آموزه‌های دینی - هیچ فرشته‌ای و ملک مقربی به آن نمی‌رسد و چنین موجودی با چنین لیاقت و استعدادی قهراً دارای کرامت ذاتی و شرافت خواهد بود (منتظری، ۱۳۸۳ش: ص ۳۶).

امام خمینی (ره) در مورد مصداق انسان کامل می‌نویسد: رسول خدا (ص) انسان کاملی است که در رأس مخروط این عالم واقع است. ذات مقدس حق تعالی که غیب است و در عین حال ظاهر است و مستجمع همه کمال به طور غیرمتناهی است، در رسول اکرم (ص) متجلی است به تمام اسما و صفات و در قرآن متجلی است به تمام اسما و صفات و روز بعثت، روزی است که خدای تبارک و تعالی، موجود کاملی که از او کامل تر نیست و نمی‌شود باشد مأمور کرد که تکمیل کند موجودات را (خمینی، ۱۳۸۷ش: ص ۳۷). بنیان‌گذار جمهوری اسلامی درباره حضرت زهرا (س) می‌فرمایند: ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا (س) جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست، او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است (خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۷، ص ۳۳۷).

سارتر، به اعتباری، منکر چیزی شبیه طبیعت انسان است، زیرا به زعم او ممکن است نظریه‌های درست یا نادرستی در این زمینه مطرح باشد و این از اختصاصات آگزیستانسیالیست‌هاست که گزاره‌های کلی درباره انسان رانفی می‌کنند. سارتر در بیان این موضوع می‌گوید که وجود انسان مقدم بر ماهیت اوست، ما برای هیچ هدفی خلق نشده‌ایم، نه به وسیله خدا، نه تکامل و نه هیچ چیز دیگر. ما فقط متوجه می‌شویم که وجود داریم و در این صورت باید تصمیم بگیریم که از خود چه چیزی بسازیم (استیونسون، ۱۳۶۸ش: ص ۱۳۵). البته بیان اصلی او این است که انسان آزاد است. به باور او، ما محکوم به آزاد بودنیم. آزادی هیچ‌گونه محدودیتی ندارد به جز این که ما در نقض آزادی خود آزاد نیستیم (همان: ص ۱۳۶). اومانیسم یا مذهب انسانیت و انسان‌مداری،

چنان‌چه اشاره شده، محصول همین دوره رنسانس یا دوره تجدید حیات علم و ادب بوده است. در اصطلاح فیلسوفان و مورخان، اومانیسیم به معنی اعم، عبارت از هر نظام فلسفی یا اخلاقی و حتی سیاسی است که هسته مرکزی آن آزادی و حیثیت انسانی است. یونانیان و رومیان قدیم بیشتر از شرقیان پیرو اومانیسیم بودند (حلبی، ۱۳۷۱ش: ص ۱۱۹). جوهره تفکر اومانستی این است که می‌گوید انسان را جانشین خدا کنیم. این گرایش رفته‌رفته با گسترش ادبیات آن زمان و با تلاش نویسندگان پیشگامی هم چون دانته، شاعرو نویسنده معروف ایتالیایی، در تمام کشورهای مغرب زمین رواج پیدا کرد و به‌عنوان محوری که دارای ابعاد و زوایای گوناگون دارد مطرح شد. از این رو، اومانیسیم مادر گرایش‌های دیگری است که مجموع فرهنگ غربی را تشکیل می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸ش: ص ۱۷۱). زن در جهان بینی و فلسفه غرب، اعم از افکار مذهبی و غیرمذهبی، به مراتب از مرد محروم‌تر و مظلوم‌تر است. زن تا مدت‌ها در فرهنگ غرب موجودی پست و ناپاک و شرور و مایه بدبختی بود (خامنه‌ای، ۱۳۶۸ش: صص ۲۰-۲۱). اسلام که از متن وحی و از ناموس طبیعت برخاسته و با فطرت و سرشت انسان عجین است، نخستین پایه‌گذار و پیام‌آور حقوق واقعی بشر است. اسلام انسان را «خلیفه» و جانشین خدا معرفی می‌کند. پیداست که خلافت خدا را به عنصری پست یا ناتوان نمی‌سپارند. این جانشینی، بالاترین تعبیر برای بیان عظمت و علو مقام انسان است، انسانی که از میان آن‌ها پیامبران، یعنی بزرگ‌ترین و شگفت‌ترین پدیده‌های معنوی جهان، برمی‌خیزند. اسلام، آزادی بشر را که والاترین جلوه حرمت مقام انسان است، در کامل‌ترین مفاهیم آن که آزادی روح، جسم، اندیشه و عقل است، می‌شناسد و آن را سزاوار انسان می‌داند. به همین دلیل در جهان بینی اسلام، بشر هر که باشد و از هر نژاد که باشد و هر زبان داشته باشد و از هر اقلیم و به هر رنگ گرامی و آزاد است (همان: صص ۱۵-۱۷).

۵. کرامت در اسناد بین‌المللی

به عقیده گروهی از فلاسفه و متفکران، حقوق فطری یا حقوق طبیعی عبارت از مجموع اصول و قوانینی است که فطرت آن‌ها را در عقل و منطق انسان قرار داده است و قانون‌گذار باید کوشش کند که این اصول را کشف و اداره اجتماع و قوانین بشری (حقوق موضوعه) را بر پایه آن قرار دهد؛ از این قبیل است حقوق فردی، وفای به عهد، الزام به اجرای قرارداد ضمان و... (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۱۵۶). نخستین نمونه‌های حقوق فطری، ظهور اعلامیه‌های حقوق است که در قرن هفدهم و هیجدهم برای نخستین بار در انگلستان، آمریکا و فرانسه، در پی مبارزات سیاسی مردم این کشورها انتشار یافتند و امروز جز اسناد سیاسی و رسمی آن‌ها

محسوب می‌شوند. نمونه آن، اعلامیه حقوق بشر است که به ابتکار سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید که امروز، آرمان مشترکی برای ملل متحد در سطح جهانی در زمینه حقوق بشر محسوب می‌شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰ش: صص ۱۶۹-۱۷۰).

حقوق بشر، حق‌هایی جهان‌شمول، ذاتی و غیرقابل سلب هستند که انسان‌ها به خاطر انسان بودنشان به صورت برابر بایستی از آن‌ها بهره‌مند گردند. جهان‌شمولی، ذاتی و غیرقابل سلب بودن، ویژگی حق‌هایی هستند که انسان به دلیل حیثیت و کرامت خود، باید به طور یکسان از آن‌ها برخوردار گردد. جهان‌شمولی به معنای فرا فرهنگی، ذاتی به معنای پیوند با حیثیت و کرامت انسانی و غیرقابل سلب بودن، بدین معنی است که این حق‌ها ریشه در قانون‌گذاری و یا اراده حکومت‌ها ندارد. روشن است که غیرقابل سلب بودن به این معنی نیست که تحت هیچ شرایطی نتوان از برخی افراد به دلایل موجه، پاره‌ای از این حقوق را سلب و یا اعمال آن را محدود کرد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲ش: ص ۷۷). در مقدمه اعلامیه حقوق بشر، با وجود این‌که همه انسان‌ها به‌عنوان اعضای یک خانواده بشری دارای کرامت ذاتی شناسایی شده‌اند، لکن به عامل یا عوامل وحدت اشاره نشده است و این نارسایی در ماده اول اعلامیه حقوق بشر با بیان دو عامل اصلی وحدت خانواده بشری تکمیل گردیده است: نخست بندگی نسبت به خدا و دوم فرزندی نسبت به آدم که همه انسان‌ها را در یک خانواده گرد هم آورده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۴۲). در اعلامیه حقوق بشر آمده است: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند (ماده ۱). هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و... از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی سیاسی که در اعلامیه ذکر شده است، بهره‌مند گردد (ماده ۲). هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد (ماده ۳).

اعلامیه جهانی برای این‌که بتواند قابل قبول همگان باشد باید از نگاهی فراگیر و توأم با حسن نیت، سعه‌صدر، امانت‌داری و انصاف علمی برخوردار باشد و به مشترکات تکیه کند و از پیش‌داوری و یک‌سونگری بپرهیزد و نحله و جناح فکری خاصی را به‌عنوان پایه و اساس خود اتخاذ ننماید تا بتواند از جاذبه لازم برای توسعه و تداوم برخوردار گردد. این در حالی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر نه تنها دین را از عرصه زندگی و مسائل حقوق بشر حذف کرد، بلکه اصولاً به نوعی از حذف دین از جامعه سخن می‌گوید و آن را شعار اصلی در دعوت به آزادی می‌شمارد و از آزادی مذهبی تفسیر مشروعیت ارتداد و دعوت به آن را دارد. بی‌گمان، سخن

معتدل و فراگیر همه اندیشه‌ها، آن است که ضمن محکوم کردن شیوه‌های اجبار و اکراه دینی، روش‌های مشوق ارتداد نیز مردود شناخته شود و هر دو اجبار و ارتداد دین به‌عنوان انحراف از آزادی عقیده تلقی گردد (همان: ص ۹۱).

کرامت انسانی که مبنای اصلی و مشخصه واقعی شایستگی افراد بشر برای استیفای حقوق بشر است، در این اعلامیه نادیده گرفته شده و به جای علت به معلول پرداخته شده است. پرواضح است که کلمه «حیثیت ذاتی» در مقدمه اعلامیه با تفسیری که به دنبال دارد، نمی‌تواند اشاره به کرامت ذاتی بدان معنی که در اسلام تفسیر می‌شود، باشد. حیثیت ذاتی به مفهوم اومانیسیم نه قابل اثبات است و نه مبنای قابل قبولی دارد، ولی کرامت ذاتی انسان به معنای توحیدی، موهبت الهی و کرامت ناشی از مشیت خداوند نسبت به انسان است، در حکم عقل و قدرت تفکر انسان که خداوند، خالق انسان، این موهبت‌ها را به وی عطا فرموده است. کرامت مانند تعقل و اندیشه، موهبتی است الهی که با ذات و بنیاد وجود انسان متلازم و تفکیک‌ناپذیر بوده و منشأ شایستگی انسان نسبت به برخورداری از حقوق متعدد و آزادی‌های متنوع است. به اصطلاح فلسفی و منطقی، کاربرد عنوان ذاتی در مورد کرامت انسان به مفهوم ذاتی به معنی اجزاء مادی و غیرمادی تشکیل‌دهنده انسان نیست، بلکه به مثابه ذاتی باب برهان و از مقوله لوازم غیرقابل تفکیک بودن انسان محسوب می‌گردد (همان: ص ۱۰۸). کاستی‌های بنیادین اعلامیه حقوق بشر بدین شرح است: ۱- گسستن از فطرت؛ ۲- غفلت از رابطه انسان و جهان آفرینش؛ ۳- غفلت از رابطه انسان با خداوند (جوادی آملی، ۱۳۷۵ ش: صص ۲۶۲-۲۶۵). یکی از منابع حقوق بشر در اسلام، این است که انسان، گوهر کریم ارزنده است. این کرامت یک ارزش نظری است که می‌تواند جنبه عملی پیدا کند، اما نباید گمان کرد که این ارزش نظری در ردیف اعتبارات جای دارد. کریم بودن انسان واقعیتی است همانند کریم بودن فرشتگان و قرآن که همه این‌ها مظاهر کرامت خداوندند. بدین ترتیب کرامت انسان نشان‌دهنده آن است که وی حقیقتاً از لحاظ وجودی دارای امتیاز و برجستگی است؛ به دیگر بیان، کرامت انسانی حاکی از آن است که وی دارای کیفیتی برتر و عالی است و گوهر برین موجودات جهان به شمار می‌رود (همان: صص ۱۶۱-۱۶۲). آن‌چه در انسان اصالت دارد، جان اوست. از این رو مایه سنجش میان دو انسان، امکان رشد روحی است. اگر هم در تفکر اسلامی، میان زن و مرد باشد، در کشاکش این تفاوت، برتری از آن زن است (همان: ص ۲۳۶).

اگرچه اسلام هم از آزادی زن و حقوق ویژه او سخن گفته است اما بسی تفاوت است میان واژه‌ها و مصطلحات مشترک که هر یک دارای معنایی جداگانه‌اند. نهایت راه زن غربی این

است که همسر خوبی باشد و پیداست که چه مایه تفاوت است میان یک همسر خوب و یک مادر شایسته. آزادی زن غربی، در بهترین شکل، به تساوی او با مرد در حقوق مادی می‌انجامد، اما زن مسلمان در طی راه تکامل، دستمایه‌هایی دارد که او را بر مرد هم برتری می‌بخشد. به همین سبب، زن شایسته در مکتب الاهی، الگوی همه انسان‌های صالح است و نه فقط زنان صالح. قرآن کریم در ستایش از همسر فرعون او را نمونه همه مؤمنان خواه مرد و خواه زن می‌شمارد: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (تحریم/۱۱) (همان: صص ۲۳۵-۲۳۶). امام خمینی (ره) در خصوص نقش زن در جامعه می‌فرماید: نقش زن در جامعه بالاتراز نقش مرد است، برای این‌که بانوان علاوه بر این‌که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتراست و از خدمت همه‌کس بالاتراست و این امری است که انبیاء می‌خواستند، می‌خواستند که بانوان قشری باشند که آن‌ها تربیت کنند جامعه را و شیر زنان و شیر مردانی به جامعه تقدیم کنند (خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۴، ص ۱۹۷).

در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلام، ماده ۶ بند الف آمده است: کرامت، حقی است که وجود آن برای همه انسان‌ها تضمین شده است. همه افراد بشر یک خانواده‌اند و بندگی خدا و فرزند بودن همه آنان به آدم (ع)، آنان را با یکدیگر متحد ساخته است. همه مردم در کرامت ذاتی که خداوند سبحان به آن‌ها عطا فرموده و نیز اصل تکلیف و مسئولیت فطری، بدون تفکیک از جهت نژاد و... با یکدیگر مساوی‌اند. هم چنین ماده ۷ بند الف بیان می‌دارد که زن در کرامت انسانی، با مرد مساوی و در برابر حقوقی که دارد، تکالیفی بر عهده اوست. زن دارای شخصیت اجتماعی است و در تعهدات و جریانات مالی خود صاحب استقلال است و نیز حق حفظ نام و نسب خویشتن را دارا است. در بند ج نیز آمده است: همه مردم به منزله خاندان خداوندی هستند و محبوب‌ترین آنان نزد خداوند، سودمندترین آنان نسبت به اعضای خانواده خداوندی است. قطعی است که هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد، مگر به وسیله تقوا (کرامت اکتسابی ارزشی) که تمامی ارزش‌های عالی انسان به آن مربوط است.

یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌های در نظام حقوق بشر اسلام و غرب، تفکیک کرامت ذاتی از کرامت اکتسابی ارزشی است. حقوق بشر از دیدگاه غرب، موضوع کرامت، حیثیت، آبرو، شرافت و امثال این اصطلاحات را در مواد و مقدمات خود به کار می‌برد ولی تفاوتی میان این دو نوع کرامت (کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی ارزشی) نمی‌گذارد... به نظر می‌رسد این

بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به کرامت ارزشی، به‌تنهایی می‌تواند یکی از عوامل بسیار مهم رکود انسان‌ها و محرومیت آنان از تکامل اخلاقی و روحی باشد. کرامت اکتسابی ارزشی عبارت است از حیثیت والای انسانی که از مراعات حقوق خویش و دیگران و انجام تکالیف و وظایف - نه با نظر و استناد به هدف‌های مادی شخصی - بلکه مستند به احساس عمیق وجدان انسانی که خداوند متعال به‌عنوان بزرگ‌ترین عامل ترقی و تکامل در نهاد انسان‌ها به ودیعت نهاد، سرچشمه می‌گیرد (جعفری، ۱۳۸۸ش: ص ۲۴۴).

بی‌تردید پیامد نگاه پست‌مدرنیستی به حقوق بشر در مرحله اول، نفی وجود هرگونه هنجار جهان‌شمول حقوق بشری مبتنی بر اخلاق است؛ بنابراین هیچ فردی خارج از چارچوب جامعه‌ای خاص نمی‌تواند بگوید که افراد آن جامعه چه حق‌هایی دارند و یا این‌که حقوق آن‌ها نقص شده است. برای مثال یک فیلسوف اخلاق غربی و یا ژاپنی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند به‌صورت موجهی رفتارهای خشن طالبان در افغانستان و یا نازی‌ها در جنگ جهان دوم را محکوم کند. نژادپرستی نژادپرستان آفریقای جنوبی در زمینه خود موجه بوده و یک ایرانی مسلمان نمی‌تواند به‌هیچ‌وجه آن را محکوم کند، چراکه در آن جامعه و براساس هنجارهای سفیدپوستان آفریقای جنوبی آن روز زندگی نمی‌کرده است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲ش: ص ۱۳۴).

با توجه به مطالبی که بیان شد، در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلام کرامت با دو جهت‌گیری همراه است؛ یکی کرامت ذاتی که در وجود انسان نهفته است که در اعلامیه حقوق بشر تا اینجا مشترک است و دیگری کرامت اکتسابی است که در اعلامیه حقوق بشر از آن سخنی به میان نیامده است. نادیده گرفتن کرامت اکتسابی در اعلامیه حقوق بشر، پیامدهایی را به دنبال دارد؛ یعنی بی‌توجهی به کرامت ارزشی انسان پیامدهای منفی را به همراه دارد که یکی از آن‌ها بحران معنویت در جهان غرب است. بدین معنا که انسان خود را مانند سایر جانداران تصور کند؛ یعنی برای روح و غذای معنوی ارزشی قائل نباشد و نفس سرکش خویش را رها کند که این در تنافی با کرامت انسان است. در واقع، نمی‌توان درباره حقوق انسان و حقوق زن سخن گفت، اما پیامدهای غیراخلاقی سوءاستفاده از زن، فحشا و بی‌بندوباری، هم‌جنس‌بازی و ... را نادیده گرفت. در عصر جهانی شدن و پیشرفت فناوری اطلاعات، غلبه تفکرات اومانیستی و انسان‌محوری و حذف خدا از زندگی، از پیامدهای مخرب و زیان‌بار نادیده گرفتن کرامت است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کرامت در دین مقدس اسلام دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است و براساس آیات و روایات، کرامت در ساختار هستی‌شناسی با دو جهت‌گیری همراه است؛ یکی کرامت ذاتی است که خداوند در همه انسان‌ها به ودیعه نهاده است. در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ به همه فرزندان آدم کرامت بخشیدیم» (اسراء/۷۰). همه انسان‌ها چه مؤمن و چه غیر مؤمن، چه زن و چه مرد دارای این کرامت ذاتی هستند؛ به بیان دیگر، خداوند به همه انسان‌ها صرف نظر از جنسیت، رنگ، نژاد و... این موهبت الهی را اعطا کرده است که مصداق بارز آن، موهبت عقل و خرد است که انسان را از سایر جانداران جدا ساخته و ممتاز گردانیده است. دیگری کرامت ذاتی اکتسابی یا ارزشی است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» (حجرات/۱۳). حال این کرامت باید در انسان به نحوه احسن و در مسیر شایسته و صحیح پرورش یابد تا به هدف و مقصود اصلی یعنی قرب الهی و خشنودی خداوند برسد. در این جا هم انسان‌ها صرف نظر از جنسیت و سایر امتیازات دنیوی می‌توانند به آن دست پیدا کنند. شاخص اصلی کرامت اکتسابی، تقواست. هر که باتقواتر باشد در نزد خداوند گرمی‌تر است. دین اسلام مسیر رسیدن به تقوا را به درستی ترسیم کرده است. تقوا انجام فرایض الهی است؛ یعنی انسان برای اینکه به قرب الهی برسد باید نقشه‌راهی را براساس سنت دینی و الهی ترسیم کند که هندسه آن در قرآن و روایات ائمه (ع) به درستی و کامل ترسیم شده است. کرامت به مثابه مفهومی راهبردی در ادبیات حقوق بشر بین الملل، نقش وسیعی در ترسیم هندسه مفهومی منشور حقوق بشر و سایر اسناد بین الملل حقوق بشر ایفا می‌کند؛ اما در وضعیت کنونی جهان معاصر، با چالش نظری و عملی مواجه شده است. در ابعاد نظری، نادیده گرفتن کرامت اکتسابی یا ارزشی و محدود کردن کرامت ذاتی به ابعاد صرفاً مادی، قابلیت کاربردی آن را از بین برده است. در این معنا، آن چه سبب تعریض بیشتر است، مادی انگاشتن آن و حذف دین، خدا و غلبه تفکرات اومانستی و انسان‌محوری است و این تفسیر مادی و حذف ابعاد معنوی منجر به پوچ‌گرایی شده است و پیامد مهم آن، از بین رفتن هویت انسانی و به تعبیر دیگر، از بین رفتن شخصیت و انسانیت بشر است. در گذشته و بیش‌تر در قرون معاصر، به عنوان گوناگون، شاهد نادیده انگاشتن کرامت انسان به‌ویژه زن هستیم. به طوری که در برخی کشورهای دنیا، به سبب طمع‌کاری، هژمونی و استیلای نظام سرمایه‌داری در جهان ارتباطات، فرهنگ، اقتصاد و سیاست و با زیر پا گذاشتن اسناد بین‌المللی و با انگیزه استعماری و با سکوت معنادار کشورهای مدعی حقوق بشر به‌ویژه مجامع بین‌المللی، شاهد زیر پا گذاشتن کرامت زن هستیم. در توضیح بیشتر باید گفت، جهان غرب امروز با حذف

دین در زندگی با بحران معنویت و هویت همراه است که پیامدهای شوم آن را می‌توان فحشاء، بی‌بندوباری، از بین رفتن حیا، تجارت سکس، هم‌جنس‌بازی، رکود انسان، پوچ‌گرایی و ... نام برد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود، کرامت و ابعاد آن به همراه الزامات حقوقی و قانونی در صحنه ملی و بین‌المللی، به‌ویژه سازمان کنفرانس اسلامی بررسی و برای تدوین لوایح حقوقی مناسب فرا جنسیتی به بحث و مذاکره گذاشته شود.

فهرست منابع:

۱. **قرآن کریم.**
۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۳۷۵ش)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر قرآن*، مترجم: محمدجعفر، یاحقی و محمد مهدی، ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
۳. استیونسن، لسلی، (۱۳۶۸ش)، *هفت نظریه درباره طبیعت انسان*، مترجم: بهرام، محسن پور، رشد، تهران.
۴. جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۸ش)، *حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و غرب*، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، بی‌جا، چاپ چهارم.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵ش)، *فلسفه حقوق بشر*، مرکز نشر اسراء، قم.
۶. حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۱ش)، *انسان در اسلام و مکاتب غربی*، اساطیر، تهران.
۷. خامنه‌ای، سید محمد، (۱۳۶۸ش)، *حقوق زن در اسلام، مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر*، تک، تهران.
۸. خمینی، روح الله، (۱۳۷۸ش)، *صحیفه نور*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
۹. —، (۱۳۸۷ش)، *امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی (ره)*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، چاپ سوم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۱ش)، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، انتشاران حورا، تهران، چاپ سوم.
۱۱. رسولی محلاتی، سید هاشم، (۱۳۸۶ش)، *غرر الحکم و درر الکم*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ نهم.
۱۲. سبحانی، جعفر، (۱۳۶۴ش)، *منشور جاوید*، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۳. صدر، حسن، (۱۳۵۵ش)، *حقوق زن در اسلام و اروپا*، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، تهران.

۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۶ش)، *تفسیر المیزان*، مترجم: سید محمد باقر، موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۵. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۷۰ش)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۵۲ش)، *تفسیر مجمع البیان*، مترجم: احمد، بهشتی، موسسه انتشارات فراهانی، تهران.
۱۷. _____، (۱۳۶۳ش)، *تفسیر مجمع البیان*، مترجم: علی، کاظمی، موسسه انتشارات فراهانی، تهران.
۱۸. عمید، حسن، (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ عمید*، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۸ش)، *مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر*، انتشارات مجد، تهران.
۲۰. قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۸۲ش)، *حقوق بشر در جهان معاصر: دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری (مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع)*، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۱. قریشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۲ش)، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۱۱.
۲۲. کدیور، جمیله، (۱۳۷۵ش)، *زن، اطلاعات*، تهران.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۹۷ق)، *بحار الانوار*، المکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ دوم.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۷ش)، *میزان الحکمه*، مترجم: رضا، شیخی، دارالحدیث، قم.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۸ش)، *نظریه سیاسی اسلام*، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۹ش)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ هفتم.
۲۷. منتظری، حسینعلی، (۱۳۸۳ش)، *رساله حقوق*، انتشارات سرایی، قم.
۲۸. نصر، سید حسین، (۱۳۶۱ش)، *سه حکیم مسلمان*، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران.
۲۹. نصری، عبدالله، (۱۳۸۷ش)، *انسان از دیدگاه اسلام*، دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ ۱۳.
۳۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۷۹ش)، *روش‌های نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.